



مگ

کلیدها



روزنوشته‌های علی محمد مؤدب

خان چهارم انقلاب اسلامی

۴۰ سالگی انقلاب انگار قدری شبیه چهارمین خان رستم است. رویارویی با دشمنی ضعیف که اگر از خدا غافل شویم می‌تواند ما را نابود کند، خان چهارم رستم در هفت خان، داستان حضور پیرزن جادوگری است که با ظاهری جوان قصد فریب پهلوان را دارد. رستم خسته از نبردها به ناگاه با سفرای هفت رنگ روبه‌رو می‌شود و سازی می‌یابد، به نیت خستگی در کردن بر کنار سفره می‌نشیند و طنبور را برمی‌دارد و آواز می‌خواند و از غصه‌های دل خودش می‌گوید. مضمون آوازی که رستم می‌خواند بسیار جالب است؛ او در این آواز از حماسه‌های خود می‌گوید و از وضعیتش ناله می‌کند: «که آواره و پد نشان رستم است / که روز شادیش بهره غم است... همه جای جنگست میدان اوی / بیابان و کوه است بستان اوی... همه جنگ با شیر نر و اژدهاست/ کجا اژدها از کفش نا رهاست... می و جام و بویا گل و میگسار / نکردست بخشش ورا کردگار... همیشه به جنگ نهنگ اندر است/ و گر با پلنگا به جنگ اندر است». این نق نق و ناشگری رستم سبب می‌شود زن جادوگر زمینه را فراهم ببیند و خود را به شکل زنی جوان بپاراید. رستم از دیدار او خوشحال می‌شود و بسم الله می‌گوید تا معاشرتی و عشرتی داشته باشد: «چو آواز داد از خداوند مهر / دگر گونه‌تر گشت جادو به چهر... روانش گمان نیایش نداشت زبانش توان ستایش نداشت... سیه گشت چون نام یزدان شنید اژهمتن سبک چون درو بنگرید»

آن زن جادوگر که تحمل نام خدا را ندارد، با بردن نام خدا رسوا و باطن شیطانی‌اش افشا می‌شود؛ رستم با خنجری او را به دو نیم می‌کند. زن جادوگر در این خان می‌تواند اشاره به دنیا و تنعم‌های ناچیز آن داشته باشد که یکی از امتحان‌های هر کسی است که آرمانی بزرگ دارد. نکته این خان این است که زن جادوگر بسیار ضعیف است و با خنجری به دو نیم می‌شود و خود پهلوان با همان ناشگری و ترقیق که در نغمه‌اش دارد، به او فرصت می‌دهد تا ظهور کند. حکیم فردوسی تصریح می‌کند که: «به گوش زن جادو آمد سرود/ همان ناله رستم و زخم رود... بیاراست رخ را بسان بهار /و گر چند زیبا نبودش نگار». مراقبت بر خواطر و اندیشه‌های نهانی از آن مراقبت‌های دشوار است. نیاز نیست کسی درباره متن سخرانی‌های عمومی‌اش خیلی مراقبت کند چرا که بنا به توقعی که مردم از او و جایگاه او دارند معمولاً در این زمینه مراقبت می‌کند، اما اندیشه‌های نهان از آن کمینگاه‌های هولناک شیطان هستند. اینجاست که هر همنشینی می‌تواند اگر مراقب نباشیم خاطر و اندیشه‌های نهان خود را به اندیشه ما تزریق کند و نهان ما را شبیه جهان یا نهان خود کند. نیاز به هراس نیست، در همین خان، فردوسی راه نجات را به‌سادگی پیشنهاد داده است؛ نام خدا را بردن و متذکر بودن نجات‌بخش است.

اثر «سعید تشکری» از میان ۵۶ داستان بلند برگزیده شد

جایزه بهترین رمان برای انتشارات «به‌نشر» در جشنواره شهید اندرزگو

۱۱۰ ورزش

یارکشی کالدرون و دیزلی در دامنه سهنشد

نبرد ۷۲ ملت در ال کلاسیکوی ایران

به امید دیدار با سریع ترین پسر ایرانی در فینال توکیو

تفتیان بدون لامبورگینی تا زیر ۱۰ ثانیه



از سوپر واکنش رحمتی تا گلزنی شماره ۱۰ سابق

درخشش استقلال‌ها در «شهر خودرو»

معیارها نمی‌تواند آن‌ها را تغییر دهد.

تلخ و شیرین

خیلی هم منصفانه نیست که در مناسبت‌هایی مثل امروز و با روز پزشک، فقط از معضلات و مشکلات حرف بزنیم و داغ دل جامعه پزشکی و یا مردم و بیمارانی را که با آن‌ها سروکار دارند تازه کنیم. یعنی در واکاری مسائل و مشکلات علم و حرفه پزشکی امروز، هم می‌شود از زشتی‌ها و بیماری‌های این مقوله حرف زد و از پزشکانی گفت که از درد و رنج و ناچاری مردم و از زخم‌هایشان، برای کمک به همین دلیل مدعیان کم سواد علم پزشکی رابطه خوبی با او نداشتند.

وی از جمله نخستین پزشکانی است که نقش خوردن و یا پرهیز را در سلامت افراد بسیار جدی می‌گیرد و کتاب «منافع‌الغذیه و مضارها» یش حتی امروز هم یک دوره کامل بهداشت خوراک به حساب می‌آید. بیشتر از اینکه دست به نسخه باشد و معاینه نکرده، برای بیمارانش دارو تجویز کند، اسراف در دارو را بسیار مضر می‌دانست و معتقد بود تا جایی که می‌شود باید بیمار را با رژیم غذایی مناسب درمان کرد، در مرحله دوم سراغ تجویز اندک دارو رفت و اگر کار به مراحل بعدی رسید، از چند دارو و یا داروهای مرکب استفاده کرد. این را هم اضافه کنیم که رازی بدون خواندن سوگندنامه بقراط به صورت خودجوش موازین امروزی پزشکی را به‌خوبی رعایت می‌کرد. ما ایرانی‌ها روز تولد «ابن سینا» را روز پزشک می‌دانیم در حالی که «جرج‌سارتن» پدر تاریخ علم، از زکریای رازی به عنوان بزرگ‌ترین پزشک ایران و جهان اسلام در زمان قرون وسطا نام می‌برد.

طبيب و ناطيب

قضاوت نمی‌کنیم که مراحل و هزینه‌های پزشک شدن و یا درآمدها و دروس‌های طبابت در دوره «رازی» و «ابن سینا» بیشتر بوده یا امروز. اما این را به یقین می‌گوییم که هم پزشک‌های واقعاً طبیب و هم طبیب‌های ناطیبی که آدم آرزو می‌کند تن هیچ بیماری به نازشان نیازمند مباد، در هر دوراهی پیدا می‌شوند. این‌را هم خاطرجمع‌ایم که در دوره‌های گذشته با وجود همه مشکلات، دست کم طبیبان «زیرمیزی» و یا معضل «کار تخوان» مطب پزشکان، مالیات ... وجود نداشته است! همان طور که مفهومی به نام نظام پزشکی، وزارت بهداشت، وزارت دارایی و... وجود نداشته که بتوانند به مرگ و میرها و صدمات ناشی از خطاهای پزشکی رسیدگی کنند، یقه پزشکان را برای هر ماجرای کوچک و بزرگی بگیرند و یا به اندازه‌ای که باید از آن‌ها مالیات بستانند. این را هم خودتان ناگفته می‌دانید که اگرچه شرایط امروز پزشکی و متر و معیارهای آن، از زمین تا آسمان با شرایط سال‌های دور و زمان «ابن سینا» و «رازی» متفاوتند اما در عین حال اصول انسانی و اخلاقی، مفاهیمی ثابت و استوارند که گذر زمان و عوض شدن بسیاری از

امجد تربت‌زاده! امروز، روز پزشک نیست! همان طور که «زکریای رازی» در نگاه اول، شمیمیدان و داروساز است و پزشک به حساب نمی‌آید. با این همه می‌شود بزرگداشت «رازی» یعنی ۵ شهریور و روز داروساز را بهانه کرد و از پزشکان و مشکلات پزشکی حرف زد که وسعت و مقدارشان، تنها در یک روز و یا یک حوزه خلاصه نمی‌شود.

بر خلاف خیلی از کودکان امروزی و دیپروزی، پدر و مادرش از آن عشق پزشکی‌های روزگار نبودند که مثلاً فرزندشان را وادار کنند علاقه‌هایش را بی‌خیال شود و به طبابت فکر کند. رشته پزشکی هم در آن روزگار بیشتر از اینکه شغل پردرآمد و با کلاسی باشد، رشته و حرفه‌ای دشوار و پردردسر به حساب می‌آمد. «محمد» که در «ری» به دنیا آمده بود حتی تا نوجوانی و جوانی، باوجود هوش و استعداد بالا اصلاً به این شغل فکر نکرده بود. شواهد نشان می‌دهد جوان اهل ری بیشتر از اینکه دنبال طبابت باشد، اهل موسیقی بود و شیفته «عود»نوازی. بعد از زده بود توی کار زرگری. زرگری آن روزگار هم البته برخلاف امروز که بیشتر فن و تجارت به حساب می‌آید، علم شناخته می‌شد و پدر کیمیاگری و یا شیمی امروزی به شمار می‌رفت. کیمیاگری اما مثل موسیقی نبود و محمد را جوری گرفتار کرد که حکیم و دانشمند ایرانی مجبور شد تا پایان عمر با پیامدها و البته نتایج خوب و بد این رشته علمی بسازد.

بغداد تاری

کار و آزمایش مداوم روی مواد شیمیایی مختلف، قسط تجربه، مهارت و دانش را برای او به ارمانغ نیانورد. ابوریحان بیرونی معتقد است، بخارهای حاصل از مواد مختلف از جمله جیوه، به چشم‌های رازی آسیب زد و این مسئله سبب شد دانشمند ایرانی با اینکه سن و سالی را گذرانده بود، به فکر بیفتد که از پزشکی هم سر در بیاورد و اگر شد و توانست، چشم‌هایش را به دست خودش درمان کند. با این هدف، بیه درس خواندن و آموزش در بیمارستان بغداد را به تن مالید و سال‌های زیادی را در این بیمارستان گذراند که می‌گویند معتبرترین مرکز آموزش طبابت در آن دوره بود. رازی پس از یادگیری پزشکی، مدتی ریاست بیمارستان عضدی را به عهده داشت و با مرگ معتمد، خلیفه عباسی به ایران بازگشت و مسئولیت بیمارستان «ری» را به عهده گرفت. این بیمارستان مقصد آخر رازی بود و او تا پایان عمر در همین شهر به درمان بیماران مختلف پرداخت. شمیمیدان سابق و پزشک فعلی

باور می‌کنید؟

از دروازه ابر تا دست‌های خون آلود چرچیل



این وسط شاید با خودتان فکر کنید مجسمه‌دزدی فقط در کشور خودمان باب است، اما بد نیست بدانید آمار مجسمه‌دزدی در دنیا سر به فلک می‌کشد! تازه فقط مجسمه‌دزدها نیستند که آثار هنری را تهدید می‌کنند، بلکه گروهی به نام «وندال‌ها» هم وجود دارند که در خواندن فاتحه مجسمه‌های گرانقیمت و تاریخی، تخصص دارند. در ادامه چند نمونه از مجسمه دزدی‌های معروف و وندالیسم‌های پر سر و صدا در سرتاسر دنیا را به نقل از ایسنا آورده ایم:

«تقریباً دو ماه پیش بود که مجسمه مرلین مونرو که بر ال‌اجیق «چهار بانوی هالیوود» واقع در بولوار هالیوود نصب شده بود، به سرقت رفت. این سرقت در روز روشن اتفاق افتاده بود و حتی تعدادی از شهروندان هم سابق را دیده بودند که با آرامش خاطر از ال‌اجیق بالا رفته و مجسمه برتری را باره از جای خودش جدا می‌کنند!

چند ماه پیش هم مجسمه‌ای از رزشمند از فرشته «میکائیل» از روستای «اورشول» در آمریکا برای دومین بار دزیده شد. البته این مجسمه یک بار هم در سال ۲۰۰۰ دزیده شده بود اما پس از چند دست چرخیدن، به دست مجسمه، آن را به روستای اورشولت برگردانده بود.

احتمالاً در اینترنت، تصاویر مجسمه مشهور «دروازه ابر» که یکی از بزرگ‌ترین نمادهای شهر شیکاگو به حساب می‌آید را دیده‌اید. ساخت این مجسمه چیزی در حدود ۲۵ میلیون دلار هزینه برداشته و خالقش «آنیس کاپور» هم تا کنون چند جایزه معتبر بین‌المللی برای طراحی‌اش برنده شده است. چند وقت پیش اما گروهی از وندال‌ها با اسپری به جان این مجسمه بزرگ افتادند و با رنگ سفید روی آن را نقاشی کردند!

مجسمه‌های یادبود «وینستون چرچیل» در مناطق مختلف جهان اما احتمالاً رکورددار تخریب محسوب می‌شوند، چون معمولاً هر چند ماه یک‌بار، مورد هجوم وندال‌ها قرار می‌گیرند. مثلاً همین چند وقت پیش در سالگرد مرگ «آدولف هس» – معاون آدولف هیتلر – مردم فرانسه دست‌های مجسمه وینستون چرچیل را به رنگ خون درآوردند و نام «هس» را با حروف بزرگ و قرمز رنگ بر پایه مجسمه نوشتند... شاید توقع دارید در ادامه از به سرقت رفتن مجسمه معروف آزادی هم بنویسیم؟ خوشبختانه فناوری سرقت مجسمه‌ها در گوشه و کنار دنیا هنوز زورش به نمونه‌هایی مثل مجسمه آزادی نرسیده است. لاید حداقل ۲۰ یا ۳۰ سال دیگر زمان لازم است ما در این ستون خبر دزدیده‌شدن این مجسمه را به شما بدهیم!

مجاز آباد

آموزش جدول ضرب به سعودی‌ها!

حبیب بابایی، کارشناس سیاسی شبکه سلطنتی BBC فارسی با انتشار پست طعنه‌آمیزی در صفحه توئیترش به شکست عربستان سعودی در مقابله با نیروهای یمن واکنش نشان داد. بابایی در این خصوص نوشت: «بهترین کسانی که در جهان به دستوره‌های اسلام توجه



دارند، این یمنی‌ها هستند که هر یکی دو ساعت به همسایه درممانده خود، عربستان سعودی سر می‌زنند که صله رحم به‌جا آورده باشند و همچنین موکش و پهباده‌ها را ۱۰ تا ۱۰ تا می‌زنند تا جدول ضرب ده‌تایی به آل سعود یاد داده باشند.»

قسط یخچال دو سال پیش

روز گذشته کاربران فضای مجازی به مناسبت روز کارمند، پست‌های تبریک خود را با هشتگ #روز_کارمند در فضای مجازی منتشر کردند. البته بیشتر این پست‌ها با زبان طنز و در کنایه به اوضاع معیشتی کارمندان منتشر شده است. در ادامه نمونه‌هایی از پست‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «روز کارمند رو به اون کارمندی که هنوز قسط یخچال دو سال پیششو داره می‌ده هم تبریک می‌گم... روز کارمند رو به تمام کارمندایی که نمیکن پروتسدت ایراد داره برو به ماه دیگه بیا تبریک میگم.»

فرار مالیاتی سرسام آور

محمدباقر قالیباف، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با انتشار پستی در صفحه توئیتر خود، اصلاح نظام مالیاتی کشور را کلید حل بخشی از مشکلات اقتصادی کشور دانست. شهردار سابق تهران در این پست آمار نگران‌کننده‌ای از فرار مالیاتی سرسام‌آور در کشور را که معادل یک سوم کل درآمد صادرات نفت است، به اشتراک گذاشت. قالیباف در توئیتر نوشته است: «اصلاح نظام مالیاتی، کلید حل بخشی از مشکلات اقتصادی کشور است. در حالی که همه کارمندان پیش از آنکه حقوقشان را دریافت کنند مالیات می‌پردازند، فرار مالیاتی سرسام‌آور را معادل یک سوم تا کل درآمد صادرات نفت دانسته‌اند.»

غیرزن‌نیم

مژده خنجری، مجری برنامه «به روز تازه» با انتشار تصویری در کنار میهمان برنامه‌اش در اینستاگرام نوشت: «به روز تازه و لذت گفت‌وگو با دکتر زهرا شیخی مبارک، متخصص نفرولوژی و طب ایرانی؛ دختر نخبه‌ای که از سه سالگی از داشتن نعمتی به نام «پدر» محروم شد و تمام این سال‌ها زیر سایه و دعای پدر شهیدش تلاش کرد و حرف شنید و باز هم تلاش کرد و خسته نشد. دیدن آدم‌های روزهای سخت، گاهی براون لازم، تا غیر زن‌نیم و ناله نکنیم از هر موقعیتی که باب میلمون نیست.»



یادداشت



annotation@gudsonline.ir

جبار آذین / منتقد سینما و تلویزیون

«بانوی سردار» حماسه‌ای شورانگیز از مبارزات دلاور زن بختیاری

پس از تولید و پخش سریال خوب و تماشایی «بانوی عمارت» که حال و هوای سریال سازی را در تلویزیون تغییر داد و کدورت‌های نشأت گرفته از تماشای سریال‌های متوسط و ضعیف را برای مدتی از خاطر بینندگان سیما زدود، این روزها یک مینی سریال خوش ساخت و با محتوای دیگر به نام «بانوی سردار» لیخنды از رضایت بر چهره مخاطبان تلویزیون نشانه‌است.

«بانوی سردار» روایت تصویری و تلویزیونی جذابی از یک کارگردان خوش‌سنام با کارنامه‌ای قابل اعتنا در تولید آثار خوب هنری و سینمایی است. پرویز شیخ طادی در درام اجتماعی، تاریخی و خانوادگی «بانوی سردار» راوی هنرمندانه بخشی از تاریخ معاصر کشور و نقش و سهم ایسل غیور بختیاری و به ویژه یک زن دلاور به نام بی بی مریم، ملقب به سردار مریم در مبارزه با قجر و ظل السلطان قجری و استعمارگران انگلیسی‌است.

بازی‌های خوب و درست هدایت شده، وفاداری در بازنمایی رخدادهای تاریخی و تسلط بر تصویر و صحنه و فضاسازی‌های تماشایی؛ تعریف ملموس داستان دراماتیزه شده و شورانگیز زندگی و مبارزات بی‌بی مریم در مدیومی فراتر از قالب‌های تصویرسازی تلویزیونی در بستری از مناسبات واقع‌گرای اجتماعی، تاریخی و سیاسی، کارگردانی حرفه‌ای، موسیقی و آوای خوش و پربارش مقبول موضوع‌های قومی‌و ملی، از سریال «بانوی سردار» یک اثر ملی و حماسی ساخته‌است.

گرچه پرویز شیخ طادی در «بانوی سردار» به دلیل تنوع سبزه‌ها، رویدادها و حوادث تاریخی و خانوادگی و سیاسی می‌توانست با خلق داستانک‌های فرعی این سریال را از ۱۲ قسمت به یک مجموعه ۳۰ قسمتی برساند، ولی با پرهیز از حاشیه‌پرداری، توان هنری خود را به بازگویی و بازسازی داستان محوری سریال و قصه پرتب و تاب مریم، بانوی سردار معطوف ساخته تا سریالی محکم، قوی، جذاب و تأثیرگذار بسازد که در کل به توفیق هم رسیده‌است.

نکته قابل تأملی که در نگارش فیلم‌نامه‌ها و تولید اغلب آثار تاریخی و از جمله «بانوی سردار» روی آن مکث لازم صورت نگرفته و نمی‌گیرد، این است که آدم‌های آن‌ها شیک و وزین و در حد افراد تحصیلکرده امروزی سخن می‌گویند و شعار می‌دهند. نویسندگان این نوع کارها از یاد می‌برند که کاراکترهای سریال‌ها و فیلم‌های تاریخی، اشخاصی با دانش، بینش، فرهنگ و ادبیات خاص شرایط تاریخی و اجتماعی جامعه خود هستند و فیلم‌نامه‌نویسان باید با رعایت ادبیات دوره‌ای که شخصیت‌های قصه در آن زندگی می‌کنند، برای آن‌ها دیالوگ بنویسند و خود به جای آن‌ها نیندیشند و دیالوگ نگویند. با این همه امتیازات و ویژگی‌های مثبت، سبدهی طای خود توانسته‌است «بانوی سردار» را به یک مجموعه داستانی و به یادماندنی تبدیل کند. «بانوی سردار» امتیازی دیگر در کارنامه هنری پرویز شیخ طادی است.

خبر

برزونیک‌نژاد با «قصه‌های کامیون» به شبکه دو می‌آید

روابط عمومی شبکه دو: گروه فیلم و سریال شبکه دو سیما برای نوروز ۹۹ سریال «قصه‌های کامیون» به کارگردانی برزو نیک‌نژاد را برای مخاطبان این شبکه در نظر گرفته است.

این سریال ۲۰ قسمتی به تهیه‌کنندگی ابراهیم آرزو و شهرام دانش‌پور در مرحله پیش‌تولید است و به زودی در تهران کلید خواهد خورد. «قصه‌های کامیون» را شهروز شکورزاده و برزو نیک‌نژاد نگاشته‌اند و در خلاصه داستان آن آمده: «نادر پیشکسوت فوتبال مدتی است که روی کامیون باربری دوستش کار می‌کند. صابر، وحید و اشکان سه دانشجویی هستند که به دلیل مشکلاتی توسط صاحبخانه اتانی‌شان به خیابان ریخته شده‌است. نادر و دانشجویها با هم آشنا می‌شوند که این آشنایی زمینه‌ساز اتفاقات مختلفی در روند داستان می‌شود.

«مسخره باز»، «پیلوت» و «شکستن همزمان بیست استخوان» به زودی روی پرده

فکرنگزنگر در تازه‌ترین جلسه شورای صنفی سینما، قرارداد اکران سه فیلم سینمایی بسته‌شد. براین اساس فیلم سینمایی «پیلوت» ابراهیم ابراهیمیان،

فیلم «مسخره باز» همایون غنی‌زاده و فیلم «شکستن همزمان بیست استخوان» ساخته برادران محمودی به زودی به نمایش درخواهند آمد. قرارداد «پیلوت» در گروه سینمایی زندگی بعد از فیلم «قسم» ثبت شد. جواد عزتی، حمیدرضا آذرنگ ، سعیدآقاخانی، پرویش نظریه و با معرفی به‌دخت ولیان بازیگران اصلی «پیلوت» را تشکیل می‌دهند و باتیپال شومون، گیلدا ویشکا، صفر محمدی و علی جعفری از دیگر بازیگران فیلم هستند.

همچنین قرارداد فیلم «مسخره باز» همایون غنی‌زاده در گروه آستارا و پس از فیلم «شاه کش» به ثبت رسید. این فیلم نخستین اثر سینمایی همایون غنی‌زاده است که در بخش سودای سیمِرخ سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت و توانست چهار جایزه از جمله سیمِرخ بلورین بهترین فیلم سینمایی بخش نگاه نو و سیمِرخ بلورین فیلم‌های هنر و تجربه را کسب کند.

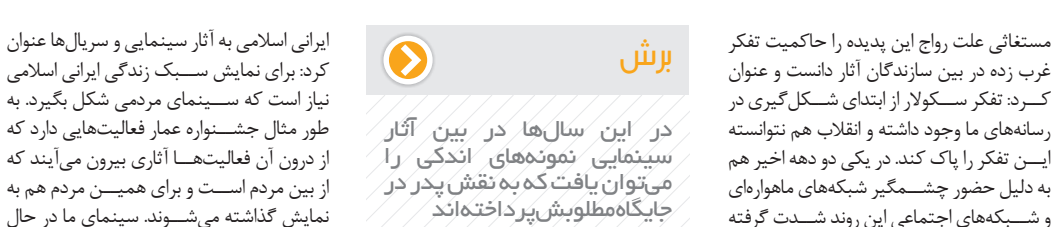
علی نصیریان، هدیه تهرانی، رضا کیانیان، صابر ابر، بابک حمیدیان و... از بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

همچنین قرارداد فیلم «شکستن همزمان بیست استخوان» برادران محمودی برای ۲۰ شهریور در گروه آزاد ثبت شد. محسن تنابنده، فرشته حسینی، سعید چنگیزیان و مجتبی پیرزاده از بازیگران این فیلم سینمایی هستند

همچنین فیلم سینمایی «چاقی» به کارگردانی رامسا قوبیل در گروه ایران، «برمودا» رهبر قنبری در گروه آستارا و «صدای منو می‌شنود» صادق پروین آشتیانی در گروه فرهنگ از چهارشنبه هفته جاری ششم شهریورماه اکران می‌شوند و دیگر فیلم‌های روی پرده همچنان به اکران خود ادامه خواهند داد.

تصویر خانواده ایرانی در سینمای ملی چگونه است؟

حمله به ستون خانواده روی پرده نقره‌ای



برش
در این سال‌ها در بین آثار سینمایی نمونه‌های اندکی را می‌توان یافت که به نقش‌پذیر در جایگاه‌مطلوبیش پرداخته‌اند

فیلم‌سازان ما در بین مردم نیستند

این محقق در پاسخ به این نقد که مدعی است تصویر خانواده‌های از هم گسسته و موج مضمون خیانت درسینما برگرفته از واقعیت‌های جامعه است، عنوان کرد: در اینجا باید پرسید: کدام جامعه؟ اگر منظور جامعه پیرامون فیلم‌سازان امیال خود درآورد، این گونه باشد چون یکی از همین فیلم‌سازان به اصطلاح اجتماعی چند سال پیش بیان کرد که ما هر چه به اطراف خودمان نگاه می‌کنیم، خیانت می‌بینیم. اگر ملاک آدم‌های اطرافشان است، ممکن است این طور باشد! اما پرشی اینجاست که آیا در همه اجتماع ما از شهرستان‌ها تا روستاهای کوچک و همه سبک‌های خانواده‌مان شرایط به همین شکل است؟ ما باید اعضای خانواده‌های ما در حال مهاجرت یا خیانت هستند؟ پدرها همگی ناقص و درمانده هستند؟ این گونه نیست. متأسفانه نگاه فیلم‌سازان و برنامه‌سازان ما از نوک بینی‌شان فراتر نمی‌رود و اغلب تحت تأثیر رسانه‌های بیگانه هستند. تحت تأثیر آن‌ها نقضات می‌کنند و در جامعه و بین مردم حضور ندارند و به قولی از میدان رنک پایین‌تر نمی‌آیند. به همین خاطر محتمل است که در گعده‌های آن‌ها که متعلق به طبقه متوسط رو به بالاست و از گذشته تمایل به زندگی غربی داشته است، این چنین روابطی باشد. نمی‌شود اسم این را گذاشت خانواده ایرانی و نشانگر اجتماعی ایرانی دانست و براساس آن سینمای ایران را شکل داد. این منتقد در خصوص ساز و کار ورود مؤلفه‌های سبک زندگی

مستغاثی علت رواج این پدیده را حاکمیت تفکر

غرب زده در بین سازندگان آثار دانست و عنوان کرد: تفکر سکولار از ابتدای شاکلات گیری در رسانه‌های ما وجود داشته و انقلاب هم نتوانسته این تفکر را پاک کند. در یکی دو دهه اخیر هم به دلیل حضور چشمگیر شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی این روند شدت گرفته است. وی در ادامه با اشاره به نقش رسانه‌های غربی افزود: القای سبک زندگی غربی در سینمای جهان بسیار مهم است. براساس آنچه در اسناد افشا شده سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) در شصتمین سالگرد این سازمان آمده است، سینمای آمریکا باید سبک زندگی آمریکایی یعنی «lifestyle» و ایدئولوژی شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلویزیون و رسانه می‌بینیم. در حقیقت تصویری که

رسانه‌های ما از خانواده ایرانی نمایش می‌دهند، بسیار مخدوش، محدود و در سطح سریال‌های

شبکه‌های ماهواره‌ای است. خانواده‌ها در این رسانه‌ها اغلب از هم پاشیده، ناقص و بی‌ریشه

هستند. بیشتر یا پدر در خانواده وجود ندارد

یا مادر نیست. پدراهی که به تصویر کشیده می‌شوند، یا منفعل هستند یا به شکل یک هیولا

به نمایش درمی‌آیند. وی افزود: این گونه نیست

که تنها سینما درگیر این مسئله و تلویزیون از این موضوع مبرا باشد.

سبید مستغاثی، روزنامه‌نگار و منتقد

سینمایی در مورد تصویر

سینمای ایران از خانواده ایرانی اظهار داشت: ما

بسیار کم خانواده‌ای

ایرانی را به واقع در سینما و همچنین در تلوی